

دکتر رحیم عقیقی

زردشت و گشتاسب

زردشت بنیان گذار آئین بهی در هزارهٔ دوم پیش از میلاد^۱ کیش مزداپرستی را در سرزمین ایرانویچ زادگاه خود بمردم عرضه کرد. او نیز مانند هر پیامبری مورد آزار و شکنجه، دشمنان خود قرار گرفت و از کوی^۲ ها و کرینها^۳ رنجهای فراوان برد.

در بخشهای کتاب اوستا بخصوص گاهان که منسوب بخود اوست در این باب اشاراتی رفته و همه جا کویها و کرینها را بدی یاد میشوند.

در میان کویها کی گشتاسب از کسانی است که آئین زردشت را پذیرفته و در

(۱) تقویم و تاریخ از ذ. بهروز.

(۲) کویها: نام شهریاران و امرای ناحیه شرق ایران که در دوره زردشت و قبل از آن قدرت را در دست داشتهاند و آئین آنها دیوپرستی بوده است. در گزارش پهلوی کوی کور یاد شده و منظور کسی است که چشم بینا برای دیدار آئین راستین ندارد.

(۳) کرینها: نام پیشوایان روحانی دیوپرستان است. در گاهان زردشت از این پیشوایان که مردم را بتایش دیوان میخوانند ناراضی است و از اورمزد تقاضا دارد که پیروان آئین راستین را از گردن این گمراه کنندگان دور دارد. در گزارش پهلوی کرین کر خوانده شده و منظور کسی است که گوش شنوا برای شنیدن فرامین آئین راستین ندارد.

بزرگداشت و گسترش آن تلاشها کرده است. از نوشته‌های دینی زردشتی چنین برمیآید که هوتوس زن کی گشتاسب در پذیرفتاری دین نو و گسترش آن تأثیر بسزائی داشته است.

در آبان‌یشت آمده که زردشت پاک در ایرانویج، اردویسور ناهید را ستود و از او درخواست کرد که در بدین آوردن کی گشتاسب کامیاب گردد.^۴

در گوش‌یشت و همچنین در آرت‌یشت پیغمبر پس از ستودن فرشتگان از آنها درخواست دارد که هوتوس زن کی گشتاسب باو بگروند.^۵

در فروردین‌یشت آمده که گشتاسب دین زردشتی را که در بند بود، از بند رها کند و پایدار ساخت.^۶

در زامیادیشت کی گشتاسب بازو و پناه دین اهورائی زردشت خوانده شده است.^۷

گشتاسب‌شاه از معتقدان استوار آئین زردشت بود و برای نگاهداری آن نبردهای شدید با تورانیان دیوپیراست کرد و بسال از کسان و بزرگان خود را از دست داد.

در کتاب یادگار زیران چنین آمده: کی گشتاسب گفت اگر تمام دلیران و برادران و بزرگان من و نیز زن من هوتوس، از کسی که برای من سی‌پسر و دختر

(۴) جلد اول یشتها، پورداود ص ۲۸۳.

(۵) جلد اول یشتها، پورداود ص ۳۸۷ و جلد دوم ص ۱۹۵.

(۶) جلد دوم یشتها، پورداود ص ۸۴.

(۷) جلد دوم یشتها، پورداود ص ۳۴۸.

متولد شدند کشته شوند باز من پیرو این دین پاک خواهم ماند و آنچه از اهورمزدا
یافتم از دست نخواهم داد .

متن زیر که از کتاب روایات پهلوی با داستان دینی^۸ گرفته شده درباره
چگونگی مزدپرستی کی گشتاسب است . در آغاز این متن اشاراتی در خصوص
همپرسی زردشت با اورمزد و دین دیوها و آنگاه شمه‌ای در باره جمشید و
فریدون و گرشاسب و در پایان از چگونگی پذیرفتن دین بهی و تعلیم آن به کی-
گشتاسب سخن رفته است .

این متن جزو روایات پهلوی و در آن جنبه ایجاز و اختصار بکار رفته ،
نگارنده در ترجمه آن هر جا لازم بوده است در زیرنویس شرح لازم را داده است .
واژه‌هایی که در ابروان () آمده الحاقی و برای روشن شدن معنی جمله است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

(۸) روایات پهلوی با داستان دینی از ارواد بامانجی ناسروانجی دها بهار ۱۹۱۳ چاپ هند

- (۱) * جائیکه زردشت دین از اورمزد پذیرفت * زردشت به سی سالگی به همپرسگی اورمزد آمد. *
- (۲) * او دین پاک ۷ بار پذیرفت *
- (۳) * نخست او بایرانویج * به آذربادگان پذیرفت * و ده سال اندر همپرسگی اورمزد بود *
- (۴) * او اندر آن ده سال بسیار رنج، بند و زنیش که اهریمن بیافرید برد *

- (۱) * آغاز متن پهلوی با واژه « اینکه » یا « یعنی که » میباشد .
* در متن پهلوی بعد از این واژه « اورمزد » اضافه دارد .
* همپرسگی : مصاحبت، گفتگو .
* در کتاب هفتم دینکرد آمده که چون زردشت به سی سالگی رسید فرشته بهمن بر او نازل شد و او را برای مصاحبت و همپرسگی با اورمزد برد .
- (۲) * در کتاب هفتم دینکرد آمده در ظرف دو سال هفت بار همپرسگی و مصاحبت بین اورمزد و زردشت رخ داد .
- (۳) * ایرانویج : جایگاه اولیه ایرانیان . درباره محل ایرانویج بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد، بعضی با توجه بنوشته‌های پهلوی این محل را نزدیک آذربایجان میدانند دسته دیگر با قرائنی که در نوشته‌های اوستائی در دست است این محل را در مشرق و ناحیه خوارزم یاد میکنند . برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به یسنا پورداود جلد اول ص ۳۸ .
- * در زند آکاسیه آمده که ایرانویج به ناحیه آذربایجانست ص ۲۵۶ بندهش از بهرام گور انکلساریا .
- * در کتاب هفتم دینکرد فصل سوم ص ۱ چاپ پشوتن‌نجانا آمده که از اولین همپرسگی زردشت با اورمزد تا هفتمین همپرسگی مدت ده سال طول کشید .

(۵) و این نیز گفته * که دین استی وها * چون بود و چگونه جامه بدوخت و استخوان مردمان اندر آن انبان نهاد. زردشت به آن مردمان که زردشت ندید همچون شما کرده بود * و این را (گفت) جامه بکار دارید چه نسای و نسای کشی هست * و زردشت به آن سبب که به نشان بود در نهاد. آنگاه بن انبان گرفت * و بزمین افکند و سرودست و پای مردمان از انبان فرود افتاد * .

(۶) و ایشان را با سی و سه بند بست .

(۷) اوشنر * پتر ورز بود که پر گرفتار کاوس بود، سامان * پتر نیرو بود ایشان را همگی افتادن بیود تونیز به سپاه .؟

(۵) * یعنی چنین روایت است .

* استی وها یا استی وها : بمعنی استخوان شکن و نام دیو مرگت .
 * معنی جمله چنین بنظر میرسد * زردشت مردمانی را که ندیده بود هدایت میکرد و آنانرا از انجام کارهای ناپسند بر حذر میداشت .
 * نسا : بمعنی لاشه و مردار و نساکش . مرده کش میباشد . در آئین مزدیسنا دست زدن به لاشه و مردار از کارهای زشت بود و در وندیداد آمده : اگر کسی دست خود به لاشه و مردار بیالاید دروچ نسو که دیو لاشه و مردار است در بدن او حلول خواهد نمود .

* یعنی استی وها گرفت .

(۷) * اوشنر : وزیر کیکاوس و از دانایان روزگار و از فر ایزدی بهرمند بوده است . در مقدمه * کتاب هفتم دینکرد چاپ پشوتن سنجانا آمده که : فر ایزدی به اوشنر در شکم مادر به پیوست و در دوره * کاوس وزیر و برگزیده * او بود و ایرانیان را اندرزهای اخلاقی میداد و سرانجام بدستور کاوس کشته شد .

در فروردین یشت فروهر اوشنر زیرک ودانا ستوده شده است . گریستن در کتاب

- (۸) اورمزد گشتاسب کیهانخدای برکشید. دین اورمزدرا جمشیدجم پست انگاشت و با بزرگی به نهاد نرسید آنگاه به آن خیره سری بدریدند اورا مردمان دیو*
 (۹) اوفریدون برکشید او نیز (دین) اورمزدرا پست انگاشت و به آن خیره سری به

کیانیان مینویسد: «وجودداستانی اوشرن مسلماً از روی نمونه و سرمشقی که برای رجال خردمند سیاست در روایات قدیمه موجود بود (مانند بزرگمهر که بعدها بوجود آمده است) ساخته شد» کیانیان ترجمه* دکتر ذبیح الله صفا ص ۱۲۱.

* سامان: مقصود گرشاسب است که از جاودانیان آئین مزدیسنی و در آخرالزمان دهاک زنجیر گسته را نابود میسازد.

(۸) * اشاره بافسانه ایست که در مورد خیره سری جمشید در نوشته های اوستائی و پهلوی و کتابهای تاریخ و شاهنامه آمده و خلاصه آن چنین است: جمشید دارای فر بود و بر هفت کشور زمین پادشاهی میکرد. در زمان او جانوران و مردمان فناپذیر بودند. در این هنگام نه گرما بود و نه سرما، نه پیری بود و نه مرگ. ولی در اثر نافرمانی از اورمزد فر از او بصورت مرغی جدا شد و از آن پس زوال و تیره بختی او آغاز گردید و سرانجام سپیتور *Spityura* و ضحاک اورا با اره دو نیم کردند. در بندهشن سپیتور برادر جمشید یاد شده است.
 * در متن دیوان مردمان آمده است.

(۹) فریدون: از شاهان کیانی و دارای فر بوده است. در نوشته های اوستائی در باره خیره سری او سخنی نرفته است. کریستن سن در کتاب کیانیان مینویسد: «از تفسیر پهلوی و ندیداد فرگرد دوم چنین می یابیم که بیم (جم) و کی اوس (کاوس) هر دو جاویدان خلق شده بودند لکن بر اثر گناهان خود فناپذیر شدند و مینوگ خرت همین مطلب را یک بار دیگر ذکر کرده و بر دو تن مذکور یکی دیگر را که یاد کردن او در اینمورد خالی از تعجب نیست اضافه نموده و او فریدونست....» کیانیان ترجمه* دکتر ذبیح الله صفا

- پیری بر افتاد و تن خویش به کودکان توان بود داشت و از او سه دام بیش
 پیرامون همی افتادند * .
- (۱۰) گر شاسب (را) همانگونه بر کشید او نیز (دین اورمزد) پست انگاشت و به آن
 خیره سری اورا اکومن * بر بالیش پیدائی زد * .
- (۱۱) پس گشتاسب دین به نپذیرفت * .
- (۱۲) پس اورمزد (با) بهمن و اردیبهشت و آذر برزین مهر * به مان * گشتاسب آمدند
 (۱۳) و به گشتاسب گفت که دین بپذیر چه اگر دین بپذیری آنگاه ما همه بتو
 درود و آفرین فرستیم و آن دور خدائی * و پادشاهی و دیر زیستی * و سپاس

در بند ۶۱ آبان یشت آمده که یل زورمند فریدن، یا اور و Paurva کشتی ران ماهر
 را در هوا بصورت یک کرکس پرواز نمودن و اداشت . شاید مقصود اینکار فریدونست
 که شبیه به پرواز در آمدن کاوس بوده است .

* بنظر میرسد اشاره بدستان پسران فریدون است .

(۱۰) * اکومن : نام دیوی است .

* اشاره بافسانه * گر شاسب است . گر شاسب مانند جمشید و کاوس دارای فر بوده
 و در اثر گناهی که از او نسبت به آتش سر زد سعادت خود را از دست داد
 ولی سرانجام مورد بخشایش قرار خواهد گرفت و در آخر الزمان از دی دهاک (ضحاک)
 را خواهد کشت . نگاه کنید به مقاله * اورمزد و گر شاسب از نگارنده . شماره * اول، سال
 دوم ، مجله * دانشکده * ادبیات مشهد .

(۱۱) * در متن پهلوئی فعل جمع آمده است .

(۱۲) * بهمن و اردیبهشت و آذر برزین مهر نام فرشتگان آئین مزدیسنی است .

* مان : خانه .

(۱۳) دور خدائی : پادشاهی جهانی

* دیر زیستی : دیر زیستن ، طول عمر : بنا بر روایات زردشتی عمر گشتاسب یکصد و پنجاه

و آفرین ارشونگ* و رهی هستی* واگذار کنم و پسری پشوتن* نام بی-
مرگ و بی پیری (بتو) دهم . اگر نه پذیری به اندروای* فرمایم که به کرکس
و دد (گوید) که گوشتت بخورند و استخوان تو به زمین افتد .

(۱۴) او پس نه پذیرفت .

(۱۵) واورمزد نیروك سنگ* (را) آید که به هوتوخشت* شو و باو این بگو که
منگ* اندر می کن (و) به گشتاسب فراز ده .

سال بوده است .

* ارشونگ : در پهلوی بمعنی توانگری و بخشایش و نام فرشته* توانگری نیز بهمین
صورت است . در نوشتههای پهلوی این نام بصورتهای ارت ، ارد ، ارشونگ نیز یاد
شده است . در سنت مزدیسنان در جهان مادی ثروت و خوشی دینداران از ارشونگ است
* رهی هستی : چاکری موجودات . معنی جمله چنین بنظر میرسد: از دیر زیستن با
شکوه و جلال و چاکری موجودات برخوردار خواهی بود .

* پشوتن : نام پسر بزرگ گشتاسب و از جاودانیان آئین مزدیسنی است بنا بسنت زردشتیان
پشوتن در کنگدز سلطنت میکند و در آخر الزمان از یاران سوشیانش خواهد بود .
در این باره نگاه کنید به کتاب نهم دینکرد فصل ۱۵ ص ۳۸ چاپ پشوتن سنجانا ، زند و
و هومن یسن از صادق هدایت در هفتم .

* اندروای یا ویو فرشته یا دیو هواست از نوشتههای دینی زردشتی چنین بر میآید که
دو ویو وجود داشته یکی فرشته است که نگهبان هوای پاک و دیگری دیوی که نمودار
هوای ناپاکست این دیو در کتاب وندیداد با دیو مرگ یکجا آمده است .

(۱۵) * نیروك سنگ یا نیروسنگ فرشته است که وظیفه* پیامبری داشته است، پیک اهورمزدا .

* هوتوخشت که بصورت هوتوس، هوتس نیز آمده نام زن کی گشتاسب است . در
بخشهای مختلف اوستا و همچنین در رزمنامه* یادگار زیران از او یاد شده است .
فردوسی در شاهنامه زن کی گشتاسب را کنایون دختر قیصر روم یاد کرده است . بررسی
دانشمندان بی اساس بودن این مطلب را نشان میدهد . آقای دکتر ذبیح الله صفا در کتاب

(۱۶) هوتو خشت همانگونه کرده .

(۱۷) چون او خورده بود، بجای سترده* بود، روان او به گروتمان* شد و به او

ارجمندی دین پذیرفته بنمود*.

(۱۸) چون از ستردگی فراز بود به هوتوس فریاد کرد که زردشت که هست تا دین

پذیرم* .

(۱۹) و زردشت آن بانگ شنید فراز شد و گشتاسب دین پذیرفت .

(۲۰) همه پایان* و ستوران و همه آتش سوزان و همه اهل خانه، را رامش بود .

(۲۱) ایشان گفتار زردشت شنیدند که به گشتاسب چگونه دین آموخت پس زردشت

را به موبدان موبدی بگماشت .

(۲۲) سی و پنجسال موبدموبدان بود .

حماسه سرایی در ایران ص ۵۳۴ مینویسند: «بعقیده» من روایت مذکور متعلق باواخر دوره*

ساسانی و فی‌المثل بعد از دوره* خسرو پرویز است که نخستین وصلت میان خاندان سلطنتی

ایران و بیزانس صورت گرفت* .

(۱۷) * سترده : بیهوش ، مات .

* گروتمان: آخرین طبقه* بهشت .

* پذیرفته : در اینجا بمعنی عرضه شده میباشد .

* افعال در مورد گرشاسب جمع آمده . بنظر میرسد از نظر احترام و بزرگداشت است.

(۱۸) * در باره* اینکه گشتاسب چگونه آئین زردشتی را پذیرفت نگاه کنید به کتاب هفتم

دینکرد فصل سوم بند ۸۴ بعد ص ۳۲ چاپ پشوتن سنجانا .

(۲۰) * پایان : حیوانات اهلی مانند بز ، گوسفند .

(۲۳) پس توربراتورش * گرگ آئین بیود، پس زردشت کشت *

(۲۴) آن بدکار نیز به همانجا به بدترین مرگ مرد .

(۲۵) اورا ماه دین * روز خور * فرمان بود .

** **



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

(۲۳) * توربراتورش یا برات روکرش از سرداران ارجاسب پادشاه توران بوده و در نوشته‌های زردشتی اینمرد از تبهکاران و در شمار درنده‌ها آمده .

* آقای پورداود در جلد دوم کتاب یشتها ص ۲۷۹ تاریخ گتشدن زردشت را ششم اردیبهشت نوشته‌اند .

(۲۵) * ماه دین : ماه دی

* روز خور : روز اول ماه دی .